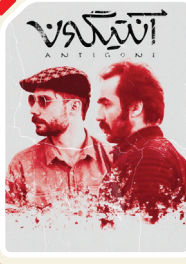




بازیگری مامور به خواندن نمایشنامه

صدرصد مرده / فراز غلامی

«صدرصد مرده» نام نمایشی است که براساس نمایشنامه‌ای از مارکس لید، با ترجمه زهرافزاری، به کارگردانی و تهیه‌کنندگی فراز غلامی از دوم تا بیستم بهمن ماه هر شب ساعت ۱۹ با مدت زمان یک ساعت و ۴۰ دقیقه روی صحنه تئاتر هامون می‌رود. بازیگران این نمایش که در خلاصه داستان آن آمده است؛ «نمایش درباره بازیگری است که وارد خانه شخصی یک زن فلج می‌شود تا نمایشنامه‌ای که نوشته، بخواند»، ناهید عساکره و شاهین زارع هستند. «صدرصد مرده»، داستان بازیگر جوانی است که برای بازی در یک نمایش به خانه دختر نویسنده‌ای که در اثر تصادف با اتومبیل هر دوپایش فلج شده، می‌رود. بازیگر در مواجهه با متن نمایشی که دختر نوشته، برمی‌آشوبد اما آن چه در انتظار اوست، عجیب‌تر و دردآورتر است.



طنبان در برابر قانون

آنتیگونه / محمدرضا آگاه

«آنتیگونه»، نام نمایشی به دراماتورژی و کارگردانی محمدرضا آگاه است که از اول تا یازدهم بهمن ماه هر روز ساعت ۱۸ در عمارت نوفل لوشاتو روی صحنه می‌رود. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «دختری (آنتیگونه) در برابر قانون شهر (کرنون) می‌ایستد. «آنتیگونه» ترازوی معروف سوفوکل، نمایشنامه‌نویس یونانی است. طبق روایت سوفوکل، آنتیگونه دختر اودیپ، شاه تبا‌ی و خواهر اتئوکل، پهلونیکس و ایسمنه است. پدر آنتیگونه پس از کت‌گانه‌ای ناخو‌استه‌تن به تبعید می‌دهد. آنتیگونه همراه اودیپ می‌رود تا این که خبر می‌رسد، برادرانش، اتئوکل و پهلونیکس به نزاع بر خاسته‌اند. اودیپ در تبعید از دنیا می‌رود. پس از مرگ پدر، آنتیگونه و ایسمنه به تبا‌ی برمی‌گردند اما دیگر دیر شده و دو برادر در جنگ تن‌به‌تن با یکدیگر کشته شده‌اند. کرنون، اتئوکل را با تشریفات دفن می‌کند اما پهلونیکس را خائن می‌داند و جسدش را راه می‌کند تا بپوسد و این‌گونه مورد بی‌احترامی قرار بگیرد. آنتیگونه بی‌حرمتی به جنازه برادر را برنمی‌تابد و شبانه، جنازه‌اش را دفن می‌کند.



رنج و رستگاری

رکونیم برای یک راهبه / محسن علی محمدی

«رکونیم برای یک راهبه»، نمایشنامه‌ای از آلبر کامو است که محسن علی محمدی آن را با ترجمه کیاسا ناظران روی صحنه تماشاخانه اهورا برده است. این نمایش از ۱۲ بهمن ماه تا چهارم اسفندماه، هر شب ساعت ۲۰ و ۴۵ دقیقه اجرا می‌شود. این نمایشنامه را آلبر کامو، براساس رمانی از ویلیام فاکنر به همین نام نوشته است. فاکنر در رمان خود، داستان بنیان‌گذاری جفرسون را در نیمه اول قرن نوزدهم باز می‌گوید و آن را به‌صورت عالم صغیری از عالم کبیر باز می‌آفریند و به بررسی بنیان‌های تمدن و رابطه انسان و تمدن و جدال میان تمدن و وحش بوم می‌پردازد. در نمایشنامه «رکونیم برای یک راهبه» هم با رنی مواجهیم که فرزند کوچکش توسط دایه‌اش که یک روسپی سیاه‌پوست است، کشته شده و آن زن در انتظار اعدام است. حال مادر بچه می‌گوید، نباید دایه کشته بشود و سرنوشت خودش و دلیل کار او را می‌گوید.

در دولت به هیچ وجه نکته یا توصیه‌ای برای حذف فیلم حاتمی‌کیا گفته نشده است و هیچ کسی از دولت، زبان به گلایه دربار فیلم «خروج»، نگشوده است.»

امیر آقایی و اعتراض به سخن مجری

اعتراض‌های جشنواره‌ای گاهی نه به سینما که به حوزه‌های عمومی تری از قلمرو سیاسی و اجتماعی هم کشیده می‌شود و سینماگران از تریبون جشنواره به‌عنوان فرصتی برای بیان این اعتراضات بهره می‌برند. یکی از مهمترین این شکل‌ها از اعتراض در اختتامیه جشنواره فجر مربوط به واکنش معترضان امیر آقایی به سخن یکی از مجریان تلویزیون بود. او که برنده جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر برای بازی در فیلم «شنای پروانه» شده بود، در سخنانی، از صحبت‌های یکی از مجریان تلویزیون که چندی قبل‌تر جنجالی شده بود، به‌شدت انتقاد کرد. چندی پیش خانمی از رسانه ملی اظهار کردند که اگر کسی ناراضی است، برود، رفتن را به کسی خطاب می‌کنند که آمده باشد، ما که نیامدیم، ما بودیم و ریشه در خاک سرزمین مان داریم.» این سخنان امیر آقایی، مثل برخی بخش‌های دیگر اختتامیه جشنواره فیلم فجر، در پخش زنده این مراسم از شبکه نمایش، سانسور شد.

شهاب حسینی و شکایت از همکاران

اعتراض‌های جشنواره‌ای، گونه‌های مختلفی دارد. از اعتراض سینماگران به مسئولان و مدیران سینمایی گرفته تا اعتراض سینماگران به همکاران خود و سینماگران دیگر. مصداق بارز این نوع دوم، به اعتراض و گل‌گذاری شهاب حسینی به عدم حضور و انصراف برخی از اهالی سینما در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر برمی‌گردد که مهمترین آنها انصراف مسعود کیمیایی از حضور در جشنواره فجر بود. پس از انصراف مسعود کیمیایی از حضور در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر، بسیاری از هنرمندان سینما نسبت به این تصمیم، واکنش‌های موافق و مخالف نشان دادند.

شهاب حسینی، تنها بازیگر ایرانی که موفق به کسب جایزه از جشنواره کن شده است، از جمله سینماگرانی است که موافق انصراف هنرمندان از جشنواره فیلم فجر نیست و این کار را باعث دوری و دودستگی بیشتر جامعه هنری می‌داند. او در این زمینه پیامی را منتشر کرد که در بخشی از آن این‌گونه آمده بود: «در احوالات موج و گل آلود کم نیستند موج‌سواران و ماهیگیران آب گل آلود. با عشق و ارادت به تمام خانواده‌های داغدار وقایع اخیر به‌خصوص عروجیان هوایمایی مسافربری، لازم به ذکر می‌دانم، سقوط سهمگین دیگری تهدیدمان می‌کند و آن، سقوط از مرز استانداردهای رفتاری در جامعه است که این‌روزها در انواع مختلف شاهد آن هستیم؛ از صفحه تلویزیون گرفته تا سطح و عمق جامعه در فضاهای حقیقی و مجازی.» او در اعتراض به انصراف همکارانش از جشنواره نوشت: «با احترام به تصمیم شخصی آنان، نسبت به آن نقدی دارم که عرض می‌کنم. اولاً این حرکت دامن‌زدن به افتراق جامعه به خودی و ناخودی است و این درحالی‌است که جامعه و مردم بیش از هر زمان دیگری به همبستگی و دل‌داری یکدیگر نیازمندند. این رفتار حتی در میان هنرمندان، طرفداران و مخاطبانش نیز شکاف عمیق و شاید جبران‌ناپذیری ایجاد می‌کند که به صلاح هیچ کس نیست.»

همایون غنی‌زاده و اعتراض قهرآمیز

شکل دیگری از اعتراض سینمایی به پذیرفتن جایزه‌ها از سوی برگزارنده‌ها برمی‌گردد که نوعی اعتراض قهرآمیز با وضع موجود محسوب می‌شود. نمونه بارز این شکل از اعتراض را باید در اقدام همایون غنی‌زاده در اختتامیه سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر دانست که سیمیر بلورین خود برای فیلم «مسخره‌باز» را نپذیرفت. او یک مهاجر افغان را به جای خود روی صحنه فرستاد که از فرصت به‌دست‌آمده برای صحبت درباره مشکلات مهاجران استفاده کند. البته این پایان داستان نبود چرا که نماینده غنی‌زاده حامل یک پیام دیگر هم بود. غنی‌زاده اعلام کرد که سیمیر بلورین این بخش را نمی‌پذیرد. پیام او چنین بود: «کارگردان برگزیده باید موفق شده باشد که نگاه نو و جدیدی را در جشنواره تزریق کند. حال آن‌که آن چه می‌بینیم حکایت از عدم‌موفقیت اینجان‌ب، کارگردان «مسخره‌باز» در تزییق نگاه نو به جشنواره است. لذا با ابراز خرسندی از ایجاد فرصت حضور در جشنواره امسال، اینجان‌ب همایون غنی‌زاده از پذیرفتن این جایزه معذوم. امید که در دوره‌های دیگری کارگردان مقبول‌تری برای جشنواره باشیم.» این رفتار غنی‌زاده البته با واکنش‌های منفی هم روبه‌رو شد از جمله مهرزاد دانش، منتقد سینما و یکی از اعضای هیئت‌داوران همان جشنواره نوشت: «به دبیرخانه جشنواره فیلم فجر پیشنهاد می‌کنم قوانینی تدوین شود که براساس آن، افرادی که از گرفتن جوایز نشان - بدون دلیل - امتناع می‌کنند، در دوره‌های بعد حق شرکت در این مناسبت را نداشته باشند. لوس‌بازی زنده جوانک تازه کاری با رفتارهای تهوع‌آور، متظاهرانه‌اش در ادا درآوردن کزفیمانه از مارلون براندو بزرگ و پذیرش / عدم‌پذیرش ادواری جایزه‌اش، از میزان شعور اجتماعی‌اش رونمایی‌ای جانانه به عمل آورد، نشان داد این جایگاه نیاز به مراقبت بیشتر دارد.»



نسبت سینما و اعتراض را می‌توان در دو بستر دراماتیک و استراتژیک

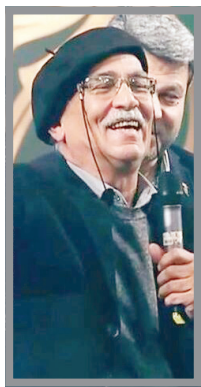
صورت‌بندی کرد. سوبه‌های دراماتیک اعتراض سینمایی

در متن فیلم، قصه و شخصیت‌های آن باز‌نمایی می‌شود که در ذیل آن می‌توان فیلم‌های

بسیاری را برشمرد و بازشناخت که رویکردی اعتراضی در لحن و روایت آن وجود دارد و امری ناپهتجار را دستمایه

قصه خود قرار داده و درواقع دست به آسیب‌شناسی می‌زند اما اعتراض استراتژیک از مناسبات سینمایی و ظرفیت رسانه‌ای آن بهره می‌برد تا اعتراضی را به گوش مخاطبان برساند

صورت‌بندی کرد. سوبه‌های دراماتیک اعتراض سینمایی در متن فیلم، قصه و شخصیت‌های آن باز‌نمایی می‌شود که در ذیل آن می‌توان فیلم‌های بسیاری را برشمرد و بازشناخت که رویکردی اعتراضی در لحن و روایت آن وجود دارد و امری ناپهتجار را دستمایه قصه خود قرار داده و درواقع دست به آسیب‌شناسی می‌زند اما اعتراض استراتژیک از مناسبات سینمایی و ظرفیت رسانه‌ای آن بهره می‌برد تا اعتراضی را به گوش مخاطبان برساند



شود، می‌تواند به آگاهی، اصلاح و بهبود جامعه کمک کند و حتی به عامل بازدارنده بحران‌ها تبدیل شود و از وقوع آسیب‌ها و فاجعه‌های احتمالی جلوگیری کند. سینمایی اعتراضی، پالایش ایجاد می‌کند، نه تنش. ازاین‌حیث‌گذاشته نیست که بگوئیم، سینمای اعتراضی نسبت به بحران‌های اجتماعی، کارکردی پیشگیرانه دارد؛ سینمایی که در جهت اعتلای جامعه، هنر را به خدمت می‌گیرد. اعتلای سینمای ما به‌ویژه در شرایط بحرانی امروز، با تولید و خلق فیلم‌های اعتراضی ممکن می‌شود. باید به سینمای اعتراضی اعتماد کرد.

اعتراض‌های جشنواره‌ای

جشنواره فیلم فجر به‌واسطه اینکه سینما را به رسانه گره می‌زند و اساساً سوبه رسانه‌ای خود سینما را در کنار وجوه هنری -تجاری‌اش بر جست می‌کند، همواره فرصتی برای انتقاد و اعتراض سینماگران بوده است. چه اعتراض به وضعیت سینما، چه اعتراض به شرایط سیاسی و اوضاع عمومی، درواق سینماگران تریبون جشنواره را بهترین فرصت برای اظهار شکایت و اعتراض و انتقاد خود نسبت به مسائلی می‌دانند که آنها را آزار می‌دهد. تریبون جشنواره البته مدیوم‌ها و ابزارهای متنوعی دارد. از مراسم افتتاحیه و اختتامیه گرفته تا حضور در ویژه‌برنامه‌های جشنواره فجر در شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیون و البته مصاحبه‌هایی که با رسانه‌ها، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های مختلف می‌کنند. در این میان البته‌مراسم افتتاحیه‌و اختتامیه، مهمترین تریبون و فرصت اعتراض است که سینماگران از گرایش‌های مختلف فکری، هنری و سیاسی از آن برای بیان حرف‌های معترضان خود بهره می‌برند. در ادامه به برخی از مهمترین اعتراض‌های جشنواره‌ای نگاهی می‌اندازیم.

حاتمی‌کیا و شکایت بردن به خدا

اختتامیه سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر یکی از جنجالی‌ترین اختتامیه‌ها در تاریخ جشنواره بود که با اعتراض شدیدال‌لحن کارگردانی مواجه شد که به‌قول خودش فیلمساز نظام است. ابراهیم حاتمی‌کیا پس از دریافت جایزه‌اش برای فیلم «به وقت شام» با حضور روی صحنه، ضمن انتقاد از رویکرد تلویزیون و رضا رشیدپور در پرداختن به فیلم «به وقت شام»، گفت: «من فیلمساز وابسته‌ام. من فیلمساز این نظامم. من ۳۰ سال است که روی این سن می‌آیم و می‌روم، بار اولم نیست. باید تقدیر کنم از سازمان اوچ که واقعاً سربازان گمنام هستند. افرادی مانند رشیدپور و آزه‌هایی در این باره می‌سازند که مطرح می‌شود. من اعتراض می‌کنم به صداوسیما و از شبکه سه شکایت به خدا می‌برم. حاج‌قاسم سلیمانی می‌گوید، من برای «به وقت شام» گریه کردم، اما آ ف بر آن کسی که می‌گوید این فیلم کم‌دی است. من افتخار می‌کنم فیلمی درباره مدافعان حرم ساخته‌ام و افتخار می‌کنم، بابت ساخت این فیلم از عزیزی مثل حاج‌قاسم سلیمانی هدیه گرفتم.» حاتمی‌کیا هم‌چنین گفت: «من اعتراض می‌کنم به تلویزیون. من از مسئولان شبکه ۳ و ۲ شکایت می‌کنم به خدا می‌برم. این لجبازی و نگاه زشت را به خدا شکایت می‌برم.»

جالب اینکه این اعتراض حاتمی‌کیا، خود با اعتراض برخی سینماگران هم همراه شد از جمله مهراب قاسمخانی، فیلمنامه‌نویس که در مطلبی نوشت: «من هیچ‌وقت متوجه نشدم که آقای حاتمی‌کیا چرا همیشه معترض هستند. اصلاً به چی معترض هستند؟ یعنی به‌عنوان یک فیلمساز دیگر چه توقعی داشتند که برآورده نشده؟ در هر دوره‌ای به‌راحتی و بدون مشکل فیلم ساختن، همیشه مورد حمایت بودند و هزینه فیلم‌هایشان تأمین شده، هیچ‌وقت پشت هیچ ممیزی‌ای نبودند، فیلمساز مورد علاقه مسئولان هستند و البته همیشه مورد احترام خانواده سینما هم بودند، توی همه جشنواره‌ها هم جوایزی گرفتند و از شون تقدیر شده... خلاصه که هر جوری حساب کنیم، جایگاه فیلمساز معترض به ایشان که همیشه همه شرایط برایشان فراهم بوده، نمی‌خوره.» البته اعتراض به حاتمی‌کیا به مجلس هم کشید، زمانی که برخی از نمایندگان مجلس به ردیف بودجه ۱۰ هزار میلیاردی برای سریال «حضرت موسی (ع) هم اعتراض کردند. ابراهیم حاتمی‌کیا بار دیگر هم در جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر، نسبت به خارج شدن فیلم «خروج» از آراء مردمی دست به اعتراض زد و آن را مهندسی آراء دانست. او در جلسه نشست مطبوعاتی فیلم در برج میلاد گفت: «من از این فضا دلخورم. تا به حال ۲۰ فیلم ساخته‌ام و همیشه اینجا (نشست مطبوعاتی جشنواره) آمده‌ام، اما چرا هر سال سخت‌تر می‌شود؟ فشار اینجا مثل فشار شب اول قبر است. من دلخورم از این تنش. من عمرم را بابت فیلم‌هایم گذاشته‌ام و برای هیچ فیلمی، کم‌فروشی نکرده‌ام. شاید به‌نظر ساده بیاید که این همه تراکتور را در جاده ردیف کنیم، چرا این همه عرب‌نتری؟ چرا به من گیر می‌دهید؟ ما باید به کنار هم بودن افتخار کنیم چون سربازان فرهنگی این مملکت هستیم.» سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد وقت هم در واکنش به اعتراض حاتمی‌کیا در مصاحبه‌ای درباره اظهار گلّه ابراهیم حاتمی‌کیا از رفتار مهندسی شده در حذب فیلم این کارگردان از آرای مردمی، گفت: «حقیقتاً اینطور نیست. مسئله و تم فیلم ایشان از ابتدا مشخص بوده. نگاه دولت این بوده که فضای نقد و انتقاد در کشور همواره باز باشد. از طرف بنده هم به‌عنوان مسئول فرهنگی